

نقد و بررسی جایگاه مسؤولیت اجتماعی در چارچوب معاهدات سرمایه‌گذاری:

با مطالعه تطبیقی حقوق ایران، کانادا، برزیل و اتحادیه اروپا

حمید حمیدیان^۱، علی رضایی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

چکیده

شرکت‌های فراملی در پی گسترش تجارت آزاد و به دنبال کسب سود بیشتر می‌باشند و این موجب نادیده‌گرفته شدن ابعاد اجتماعی اقداماتشان می‌شود؛ بنابراین دولت‌ها برای تنظیم و تضمین مسؤولیت اجتماعی شرکتی از طریق مقررات سخت و موازین نرم مندرج در معاهدات سرمایه‌گذاری اقدام کرده‌اند. در این پژوهش جایگاه این مسؤولیت در معاهدات سرمایه‌گذاری کشورهای کانادا، برزیل، اتحادیه اروپا و در نهایت ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته - است و به نظر می‌رسد رویکرد کشور برزیل و اتحادیه اروپا در تضمین این مسؤولیت با توجه به تبیین دقیق مصادیق و ارجاع به اسناد بین‌المللی به نحو موفق‌تری عمل نموده‌باشد. در نظام حقوق معاهدات سرمایه‌گذاری ایران نیز در دوره پسابرجام، روند مناسبی در تبیین قواعد مسؤولیت اجتماعی ملاحظه می‌شود. هرچند این قیود عملاً نتوانسته در ایجاد توازن میان منافع سرمایه‌گذار خارجی و منافع عمومی مؤثر باشد و با چالش‌هایی چون نقش ماهیت سنتی معاهدات سرمایه‌گذاری، ماهیت نرم قواعد و ابهام در تبیین مفهوم مسؤولیت اجتماعی، عدم احراز شخصیت بین‌المللی شرکت‌های فراملی روبروست؛ بنابراین مراجع‌داوری نیز بایستی با تفسیر متوازن حقوق سرمایه‌گذار و کشور میزبان و قواعد کلاسیک سرمایه-

گذاری به رشد و تحکیم این مسؤولیت کمک کنند. بازنگری مجدد مفاد معاهدات سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر به قواعد مسؤولیت اجتماعی نسبت به حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، راهکار دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مسؤولیت اجتماعی، معاهدات سرمایه‌گذاری، حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی، مطالعه تطبیقی. توسعه‌یابدار.

۱. مقدمه

رشد شرکت‌های چندملیتی در قرن اخیر، قوانین بین‌المللی کسب‌وکارهای چندملیتی را از دو جهت متحول نمود. از جهت اقتصادی، شرکت‌های چندملیتی در خط مقدم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فعالیت می‌کنند که زمینه‌ساز توسعه اقتصادی در کشور میزبان و کشور سرمایه‌فرست می‌شوند؛ اما از جهت اجتماعی قوانین کسب‌وکارهای چندملیتی وضعیت متفاوتی دارد. شناخت جهانی آنها در حمایت از رفاه اجتماعی کشور میزبان از جمله حقوق کار، حقوق بشر، حفظ محیط‌زیست و مبارزه با فساد، انگیزه‌ای دوچندان به حرکت و جنبش مسؤولیت اجتماعی شرکتها داده است؛ بنابراین در سالهای اخیر تمهیدات نرمی در معاهدات سرمایه‌گذاری گنجانده شده است تا این تناقض را برطرف کند. در این مقاله جایگاه مسؤولیت اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری مورد مذاقه قرار می‌گیرد. بخش اول این مقاله نگاهی به سیر تکامل تعارض میان جنبش مسؤولیت اجتماعی شرکت و حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌اندازد. در بخش دوم این مقاله جایگاه مسؤولیت اجتماعی در چارچوب نظام حقوقی کشورهای کانادا، برزیل، اتحادیه اروپا و ایران بررسی می‌شود. بخش سوم به تحلیل اقدامات اخیر صورت گرفته توسط این کشورها در گنجاندن استانداردهای نرم مسؤولیت اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری می‌پردازد و بررسی می‌کند که آیا این



رویکرد جدید برای حل تعارض میان مسؤولیت اجتماعی شرکت و اصول و قواعد بین‌المللی سرمایه‌گذاری توسط کشور میزبان موثر و تأثیرگذار هست یا خیر.

۲. مفهوم مسؤولیت اجتماعی

مفهوم مسؤولیت اجتماعی اولین بار توسط هاوارد بونون^۱ در آمریکا به عنوان اخلاقیات تجاری و مسائل مربوط به مسؤولیت‌های اجتماعی مطرح شد. (Zein, 2020, P.1) مفهوم مسؤولیت اجتماعی منبعث از نگرانی‌های بین‌المللی در خصوص مخاطراتی بوده است که سرمایه‌گذاران، در جامعه جهانی ایجاد می‌نمایند (لطیفان، ۱۳۹۱، ص ۵۷۶-۵۷۷) و تاکنون (سال ۲۰۲۰) هنوز هیچ توافقی در تعریف آن وجود ندارد (Janowski, 2021, P.13) و یک مفهوم تازه بروزیافته است که به آثار اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی عملکرد بنگاه‌های تجاری و شیوه اتخاذ تصمیم در آنها برای پیشرفت رویه تجاری و اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی بر طبق ضوابط بین‌المللی می‌پردازد. (پاسپان و اصغری، ۱۳۹۳، ص ۵۴) برخی محققان این مسؤولیت را تعهدی اخلاقی -- حقوقی می‌دانند (Tamvada, 2020, P.14) مفهوم مسؤولیت اجتماعی ریشه در حقوق داخلی و جایگاه بنگاه‌ها در حقوق داخلی دارد. بدین معنی که باید دید آیا بنگاه تجاری نهادی اقتصادی است و صرفاً متعهد به تأمین منافع مالی سهامداران است و یا اینکه غیر از تأمین منافع مالی سهامداران وظایف دیگری نیز در قبال جوامع محل فعالیت خود دارد. کمیسیون اتحادیه اروپا، مسؤولیت اجتماعی را «ترکیب داوطلبانه دغدغه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی شرکتها با فعالیت تجاری آنها در ارتباط با اشخاص ثالث مرتبط با شرکت» تعریف می‌کند (Commission of the European Union, Green Paper, 2001, P.10). با این حال این مسؤولیت هنوز در اروپا اغلب ماهیتی داوطلبانه داشته و در گسترش و نظارت این مفهوم سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی دارند (Szabados, 2001, P.10).

1. Howard Bowen

2020, P.5) در کانادا این مسئولیت در قالب یک ماهیت دوگانه تعهدی حقوقی و غیرانتفاعی شرکتها برای کمک‌های خیرخواهانه، در راستای توسعه پایدار و ایفای اهداف اقتصادی و اجتماعی در جوامع تبیین شده است (Liao, 2013, P.54). در برزیل مسئولیت اجتماعی به عنوان یک تعهد حقوقی و نه صرفاً بشردوستانه در راستای پایداری تعریف شده است (Bandeira, Parra, 2009, P.309). در ایران مسئولیت اجتماعی از منظر مفهومی مهجور مانده است. با این حال در ادبیات حقوقی ایران به عقیده برخی «مسئول بودن در برابر نقض تعهدات اجتماعی، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های انسانی و ایجاد رابطه با سازمانها و گروههای حامی حقوق بشر و در عین حال ساخت آینده جامعه با هدف توسعه پایدار با نگرش فعال درباره محیط زیست پیرامونی و توجه به منابع و میراث مشترک بشریت» مسئولیت اجتماعی است (محسنی و جوهر، ۱۳۹۳، ص ۹۳؛ نوری یوشانلویی و جوهر، ۱۳۹۳، ص ۶۰۵) برخی این مسئولیت را مسئولیتی بین‌المللی دانسته و از آن تحت عنوان مسئولیت اجتماعی بین‌المللی یاد می‌کنند (عسکری، ۱۳۹۴، ص ۲۹۲)؛ البته این رویکرد در اسناد آنکتاد نیز در حوزه سرمایه‌گذاری مورد تاکید قرار گرفته است^۱ بنابراین براساس تقریرات فوق، در اتحادیه اروپا مسئولیت اجتماعی یک رویکرد داوطلبانه و در کانادا یک تعهد حقوقی غیرانتفاعی و خیرخواهانه و در برزیل تعهد حقوقی بشردوستانه تلقی شده است و در ایران نیز مسئولیتی کلی در برابر نقض تعهدات اجتماعی و زیست‌محیطی مبتنی بر توسعه پایدار است. البته در اروپا ماهیت داوطلبانه این مسئولیت نتایج بسیار مثبتی تجاری را رقم زده است و به عقیده برخی، مقررات تنبیهی، معمولاً در کشورهایی تصویب می‌شود که این مسئولیت اخیراً ظهور پیدا کرده است. (Zein, 2020, P.9) نهایتاً نقطه اشتراک تمامی تعاریف، تاکید بر پایداری و توسعه پایدار به عنوان ماهیت این مسئولیت است. با این حال از تعاریف ارائه شده در ادبیات حقوقی ایران، نمی‌توان به ماهیت حقوقی دقیق این مسئولیت اعم از قواعد نرم یا سخت پی-

1. UNCTAD, Social Responsibility, Series on Issues in International Investment Agreements, 2001.



برد؛ درحالی که هر سه کشور دیگر به نوعی بر ماهیت نرم قواعد مسؤلیت اجتماعی تاکید داشته‌اند. البته برخی برای تبیین آن در حقوق ایران این مسؤلیت را به مسؤلیت مدنی مشابه دانسته‌اند، روشی که در فرانسه نیز بکار رفته‌است (Brabant, 2020, P.5)

۳. ابعاد مسؤلیت اجتماعی

در دهه‌های اخیر، توسعه‌پایدار به عنوان مهم‌ترین مبنای مسؤلیت اجتماعی بسیار سریع به عنوان یک اصل از حقوق بین‌الملل ارزش پیدا کرد و دارای مفهومی یکپارچه در ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی در راستای مفهوم سرمایه‌گذاری مسؤولانه است (Schrijver, 2019, P.297) توسعه پایدار یک رابطه متقابل پیچیده بین این سه رکن است (Cappa, et.al, 2020, P.5) از این رو در شناسایی ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی، به‌عنوان مبنای مسؤلیت اجتماعی بین محققان اتفاق نظر وجود دارد (Janowski, 2021, P.13) و بدین جهت مهم‌ترین ابعاد مسؤلیت اجتماعی زیلا به صورت مختصر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۳-۱. بعد اجتماعی

یکی از ابعاد مسؤلیت اجتماعی، بعد اجتماعی و حقوق بشری آن است؛ بنابراین از منظر اجتماعی از آنجاییکه جوامع قربانی اعمال شرکت‌ها می‌شوند، بنابراین باید از عملکرد شرکت بهره‌مند شوند و شرکت‌ها در تصمیم‌گیری و استراتژی‌ها به فکر منافع اجتماعی از جمله حمایت از حقوق بشر، کمک به مبارزه برای کاهش فقر، شرایط کاری مناسب و رعایت حقوق بومیان باشند (Boki, 2020, P.4)

۳-۲. بعد اقتصادی

از منظر اقتصادی اجرای مسؤلیت اجتماعی منفعتی متقابل برای شرکت و جامعه است و اجرای صحیح آن از جنبه‌های مختلف هم برای جامعه و هم برای بنگاه

اقتصادی دارای مزایای متقابل از جمله کمک به انتقال فن‌آوری در کشور میزبان، افزایش ارزش سهام و بهره‌وری آن برای بنگاه‌های اقتصادی را دارد. (Boki, 2020, P.4) لذا رعایت مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبتی بر ارزش سهام شرکت‌ها می‌گذارد (Alsahlawi, 2021, p.2) و بر اعتبار بنگاه می‌افزاید (Kim-Lim Tan, 2021, P.2) و برای شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی یک استراتژی اقتصادی برای تبدیل چالش به فرصت - است (Forcadel.et.al, 2021, p.2)

۳-۳. بعد زیست‌محیطی

مهم‌ترین بعد مسئولیت اجتماعی، بعد محیط‌زیستی آن است. رشد سریع در تجارت به دلیل بهره‌برداری و مصرف بیش از حد منابع طبیعی با تأثیرات مخربی بر جامعه و محیط‌زیست همراه بوده است (Kim-LimTan, 2021, p.2) بقای بشریت و توسعه - اقتصادی و اجتماعی مستلزم ماندگاری محیط‌زیست است. (Yadav,et.al, 2020, p.226) از نظر پیشینه تاریخی نگرانی پیرامون آشتی بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست آگاهی جهانی در کنفرانس ۱۹۷۲ سازمان ملل متحد در مورد محیط- زیست صورت گرفت. (Carvalho, 2020, p.419) لذا توسعه پایدار به چارچوب اصلی طبیعت در نظارت جهانی محیط‌زیست تبدیل شده است (Kotze, 2020, p.12) و در پی این است که بشر به سمت که برآوردن نیازها است؛ بدون اینکه در تأمین نیازهای به نسل‌های آینده لطمه‌ای وارد شود. (Yadav,et.al:2020:225) اقدامات شرکت‌ها مبتنی بر مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی می‌تواند دولت‌ها را در رفع نیازهای توسعه- اجتماعی و اقتصادی در کشورهای درحال توسعه یاری دهد. با این حال حتی در اقتصادهای توسعه‌یافته، اجرای مسئولیت اجتماعی در راستای توسعه پایدار به دلیل مبهم بودن مفهوم هنوز با مشکلاتی روبرو است و محافظت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به حفاظت از محیط‌زیست در اولویت قرار دارد. (Carvalho, 2020, p.415)



۳. سیر تحول تاریخی مسؤلیت اجتماعی در حقوق سرمایه‌گذاری

بین‌المللی

تعهدات اساسی معاهدات سرمایه‌گذاری کلاسیک برای حمایت و حفاظت سرمایه‌گذاری صورت می‌گرفت و هیچ توجهی به منافع اجتماعی کشور میزبان نداشت. اگرچه آگاهی از مسؤولیت‌های شرکت در قبال جامعه به بحث‌هایی در مورد رابطه بین کسب‌وکار و جامعه در زمان انقلاب صنعتی قرن هیجدهم برمی‌گردد. مسؤولیت اجتماعی در آن زمان بیشتر مسأله‌ای داخلی آن هم در برخی کشورهای متمدن تلقی می‌شد و هنوز مسأله جهانی نشده بود (Jenkins, 2005, p.525-526).

با شکوفایی سرمایه‌گذاری خارجی بعد از جنگ جهانی دوم نیاز به قوانینی جهان‌شمول در دو بعد احساس شد. در بعد اقتصادی نیاز به این مقررات به خصوص از طرف کشورهای پیشرفته محسوس بود؛ زیرا آنها به دنبال سازوکاری قویتر بودند تا در سطح بین‌المللی از سرمایه‌گذاری‌هایشان حفاظت و حمایت کنند (Zhu, 2017, p.95). در همین راستا کشورهای اروپایی با پیشگامی آلمان در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ شروع به انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه برای حفاظت از سرمایه‌گذاریها کردند. (Dolzer & Schreue, 2012, p.6-7). در همین راستا کشورهای درحال توسعه میزبان نیز سعی می‌کردند؛ شرایطی را فراهم کنند که سرمایه‌گذاران اطمینان لازم جهت تضمین منافعشان پیدا کنند (Daintith, 2017, p.7). بنابراین این معاهدات ساختار پراکنده‌ای داشته و از همان ابتدای پیدایش خود، تحت نفوذ قدرت‌های استعمارگر بوده و هدف آنها حفاظت و حمایت از سرمایه‌های خود در کشورهای مستعمره بوده است. (Department of Trade and Industry Republic of South Africa, 2009, p.9). مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۷ صورت گرفته است بیشترین موارد شکایات در ایکسید علیه کشورهای در حال توسعه بوده است و در بیشتر موارد رأی به نفع سرمایه‌گذار صادر شده است (http://www.ips – dc.Org/ reports/ challenging – corporate – investor-rule).

در بعد اجتماعی، توسعه سرمایه‌گذاری آگاهی جهانی نسبت به تأثیرات اجتماعی قابل توجه بنگاه‌های چندملیتی را افزایش داد، تأثیراتی که بیشتر در کشورهای درحال توسعه نمود پیدا می‌کرد. تقابل شدید میان حمایت از سرمایه‌گذاری و قوانین حاکم بر مسؤولیتهای اجتماعی سرمایه‌گذار در دهه ۱۹۹۰ و در مذاکرات بر سر «موافقتنامه چندجانبه سرمایه‌گذاری»^۱ رخ داد. پیش‌نویس این سند که تحت نظارت و توجه سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی مذاکره شد به عنوان توافقی در حمایت و ترغیب سرمایه‌گذاری بوجود آمد که بر اساس استانداردهای مدل اولیه و پیشین حمایت از سرمایه‌گذاری بود (Muchlinski, 2000, p.1033-1038). انتقادی که جامعه مدنی و غیردولتی به پیش‌نویس این سند وارد کردند این بود که این پیش‌نویس ماهیتی یکجانبه داشته و تنها به حمایت از سرمایه‌گذار می‌پردازد و هیچ‌گونه ضمانت‌اجرای قانونی برای مسؤولیتهای اجتماعی سرمایه‌گذار در نظر نگرفته‌است (Muchlinski, 2008:642). با فعالیت گسترده سازمانهای مردم‌نهاد، برخی از مقررات کلی همچون استانداردهای کار و محیط‌زیست در مقدمه پیش‌نویس گنجانده شد. اگرچه مذاکرات این سند در ۱۹۹۸ شکست خورد و هیچگاه موفق نشد اما به گنجاندن مسائل محیط‌زیست و کار در توافقنامه‌هایی که در آینده منعقد شدند کمک شایانی کرد (Muchlinski, 2008, p.642).

از دهه ۱۹۹۰ تنش میان حمایت از سرمایه‌گذاری و تقویت مسؤولیتهای اجتماعی سرمایه‌گذاران بالا گرفت و این امر منجر به افزایش پرونده‌های داوری در خصوص سرمایه‌گذاری شد^۲ (UNCTAD, 2016, p.104) و به تبع آن رژیم بین‌المللی سرمایه‌گذاری به دلیل ضمانت‌اجراهای قانونی ضعیف^۳ درمورد حق کشور میزبان برای تنظیم سرمایه‌گذاریهای خارجی‌ای که در خدمت منافع عمومی‌اند مورد انتقاد قرار

1. Multilateral Agreement on Investment (MAI)

۲. از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴، تعداد مطالبات ثبت شده در ICSID چهار برابر ۳۰ سال گذشته بود. در پایان سال ۲۰۱۶ تعداد ۶۹۶ ادعای داوری در مورد سرمایه‌گذاران شناخته‌شده وجود دارد که ۱۰۷ کشور را به عنوان پاسخ‌دهنده درگیر می‌کند. (Gus Van Harten and Martin Loughlin, 2006, p.121-124); (UNCTAD, 2016, p.104)

3. Chilling Effect



گرفته است (Burke-), 2013, p. 417; Hachez,N.,&Wouters, 2012, p.2; Viñuales, 2012, p.283).^۱ بنابراین در این دوره علی‌رغم این که برخی معتقدند تعمیم حمایت‌های قانونی نسبت به مسائل اجتماعی موجب بی‌ثباتی در عرصه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری می‌شود که تنها هدف آن، حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بوده‌است (Sornarajah, 2004, p.77) رویه قضایی در حوزه سرمایه‌گذاری به این نتیجه رسیده‌است که معاهدات کلاسیک معاهداتی تک‌بعدی است^۲ با این حال، در برخی از داوری‌ها، به تعهدات اجتماعی سرمایه‌گذار چندان اهمیت داده نمی‌شود و با تعهدات حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، غیرمرتبط تلقی می‌شود. برخی مراجع داوری دیگر ضمن نگاهی جامع به این رابطه به نحوی از انحا جایگاهی برای تعهدات بین‌المللی حقوق بشر و محیط‌زیستی کشور میزبان قائل شده‌اند. (بهزادی پارس‌وسیفی، ۱۳۹۸، ص ۵۲) در گزارش کمیسیون حقوق بشر، تأکید زیادی بر استناد به تعهدات حقوق بشری در داوری‌های سرمایه‌گذاری شده‌است، به طوری که در سال ۲۰۰۳ کشورها را به درج ملاحظات اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری دعوت می‌کند؛ زیرا که طرفین معاهده به موجب مفاد معاهده می‌توانند از یکدیگر خسارت دریافت کنند (Reports of the High Commissioner for Human Rights, Human rights, trade and investment(E/CN.4/Sub.2/2003/9), 2 July 2003, para: 41).

روند کلاسیک معاهدات سرمایه‌گذاری در حال تحول است به طوری که براساس گزارش ۲۰۱۶ آنکتاد از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴، حدود ۵۸ درصد از این معاهدات، دارای شرایطی بوده‌اند که زمینه را برای اجرای سیاست‌های کلان عمومی از جمله مسؤلیت اجتماعی فراهم می‌کند.^۳ در سالهای اخیر، کشورهای موضوع مطالعه نیز

۱. از دهه ۱۹۹۰، ابزارهای جدید بین‌المللی نرم برای توازن حمایت از مشاغل در مقابل مسؤلیت‌های آنها در قبال رفاه اجتماعی کشورهای میزبان ایجاد شده است. برای مثال در سال ۲۰۰۰ «پیمان نامه جهانی تحت عنوان گلوبال کامپکت» در سازمان ملل و اصول ۲۰۰۶ سازمان ملل برای سرمایه‌گذاری مسؤولانه و اصول راهنمایی در مورد تجارت و حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ تدوین گردید.

2. Tecmed, S.A v. United Mexican States, ICSID Case No. ARB(AF)/00/2, 2003.

3. http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2016_en.pdf, p.128.

استانداردها و دستورالعمل‌های مسئولیت اجتماعی را در توافقات سرمایه‌گذاری جدیدشان گنجانده‌اند. در برزیل از سال ۲۰۱۵ نوع جدید و بی‌بدیلی از موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری مرسوم شد که در آن ابعاد اجتماعی سرمایه‌گذاری در کشور میزبان مورد توجه قرار گرفت که از آنها تحت عنوان «توافقتنامه همکاری و تسهیل سرمایه‌گذاری»^۱ یاد می‌شود و در آن تلاش در جهت کاهش خطرات سرمایه‌گذاری به نحو مشهود مشاهده می‌شود که این روند در دهه ۹۰ و پیش از آن دیده نمی‌شود. از آن به عنوان انقلابی کوچک در معاهدات سرمایه‌گذاری یاد شده‌است (Monebhurrin, 2017, p.79) این مسأله از آن جهت اهمیت دارد که این کشور در حال توسعه به عنوان پنجمین کشوری شناخته می‌شود که بیشترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان را داراست (Welsh.et.al. 2014, p.113) و توانسته است با تغییر ماهیت تعهدات، توازنی مناسب بین سرمایه‌گذار و منافع اجتماعی حاصل از سرمایه‌گذاری ایجاد نماید. در کانادا مسئولیت اجتماعی تا پیش از ۲۰۱۳ به عنوان یک تعهد در حقوق سرمایه‌گذاری آن کشور شکل نگرفته بود و تحت تأثیر حقوق آمریکا، صرفاً به عنوان یک عمل خیرخواهانه در نظر گرفته می‌شد (Liao, 2013:56) در اتحادیه اروپا، پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۱ قطعنامه‌ای درباره سیاست آینده سرمایه‌گذاری اروپا منتشر کرد و خواستار گنجاندن بند مسئولیت اجتماعی در همه توافقات آزاد تجاری در حوزه کشورهای اروپا شد؛ با اینحال این تعهد در معاهدات سرمایه‌گذاری اروپا به شکلی غیرالزام آور تقریر گشته است (Zhu, 2017, p.115) در ایران تا پیش از دوره پسابرجام، این مفهوم در ادبیات حقوق سرمایه‌گذاری ایران تقریباً بیگانه بود.

۴. گنجانیدن استانداردهای مسئولیت اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری

1. Agreement on Cooperation and Facilitation of Investments (ACFI)



اولین تلاش در جهت اتخاذ هنجارهای اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری به سال ۲۰۰۷ و پیش‌نویس مدل معاهدات سرمایه‌گذاری نروژی برمی‌گردد (Winibaldus, 2020, p.4) که دربردارنده ماده‌ای بود که طبق آن طرفین متعهد می‌شدند سرمایه‌گذاران را تشویق کنند تا مطابق با دستورالعمل‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا^۱ در مورد شرکت‌های چندملیتی عمل کنند و همچنین به معاهده جهانی سازمان ملل^۲ پایبند باشند (The 2007 Norwegian Draft Model BIT, art 32) این شرط اگرچه الزامات مسؤلیت‌های اجتماعی را به شکل مستقیم تحمیل نمی‌کند اما با زبانی نرم از طرفین معاهده می‌خواهد تا سرمایه‌گذار را به پایبندی به استانداردهای مسؤلیت اجتماعی تشویق کنند. اخیراً موارد زیادی از گنجاندن مفاد مسؤلیت‌های اجتماعی در قراردادهای سرمایه‌گذاری دیده می‌شود که به بررسی برخی از این معاهدات در کشورهای موضوع مطالعه می‌پردازیم.

۴-۱. کانادا

کانادا در چند سال گذشته استانداردهای مسؤلیت اجتماعی را در معاهدات سرمایه‌گذاری اش گنجانده است. این تلاش حاصل تلاش جامعه مدنی و مقامات حقوقی و دولتی بود (Keenan, 2020, p.137) برای مثال در سال ۲۰۱۳ و در معاهده سرمایه‌گذاری دوطرفه میان بنین و کشور کانادا، مسؤلیت اجتماعی شرکتها گنجانده شد (Benin-Canada, BIT, 2013, art 4) به موجب ماده ۱۶ این معاهده: «طرفین قرارداد می‌بایست شرکت‌هایی را که در قلمرو خاکی آنها فعالیت میکنند یا مشمول آن می‌شوند را تشویق کنند تا داوطلبانه استانداردهای شناخته‌شده مسؤلیت اجتماعی شرکتها را در کارهای خود و در سیاستهای داخلی خود بگنجانند. این اصول مسائلی همچون

1.Guidelines on Multinational Enterprises
2.United Nations Global Compact

حقوق کار، محیط‌زیست، حقوق بشر روابط اجتماعی و مبارزه با فساد اداری را در برمی‌گیرد» (Benin-Canada, BIT, 2013, art16).

البته باید توجه داشت که براساس ماده ۲۳ این معاهده استفاده از عبارات «داوطلبانه» و «تشویق» جایگاهی نرم به این تعهد داده است و مفاد مسؤلیت اجتماعی نمی‌تواند برای سرمایه‌گذار مبنایی برای اعتراض و شکایت علیه کشور میزبان در داوری باشد (Benin-Canada, BIT, 2013, art:23). البته در دیگر معاهدات از جمله معاهدات سرمایه‌گذاری دوطرفه کانادا و مالی و همچنین بورکینافاسو و کانادا، لفظ «داوطلبانه» حذف شده و طرفین مجبور به رعایت این استانداردها شده‌اند (Canada-Canada, BIT, 2015: art16 & Mali.BIT, 2014: art15(3)). در ماده ۱۶ معاهده میان کانادا و سنگال، ادبیات منحصر به فردی استفاده شد که نه تنها کشورهای طرفین را ملزم به رعایت مسؤلیت‌های اجتماعی شرکتها می‌کرد؛ بلکه به طور مستقیم شرکتها را تشویق می‌کرد تا در اموری سرمایه‌گذاری کنند که به حل مشکلات اجتماعی و حفظ محیط‌زیست کمک کند (Canada-Senegal. BIT, 2014: art16). هرچند مقررات مسؤلیت اجتماعی شرکتها تقریباً در تمام معاهدات سرمایه‌گذاری کانادا به سرمایه‌گذار اجازه نمی‌دهد تا علیه کشور میزبان به دلیل نقض مفاد مسؤلیت اجتماعی شکایت کند ولی در سال ۲۰۱۵ در معاهده میان بورکینافاسو و کانادا سرمایه‌گذار از طرح دعوا در خصوص مفاد مسؤلیت اجتماعی شرکتها منع نگردید (Burkina.Faso-Canada.BIT, 2015:art21) که می‌تواند تحولی در این خصوص به شمار رود.

استناد مستقیم به مسؤلیت اجتماعی در آرا داوری به دلیل نوظهور بودن، به ندرت یافت می‌شود؛ بنابراین به جهت دریافت رویکرد مراجع رسیدگی‌کننده بایستی آرا صادره قبلی که به لحاظ ماهوی در راستای سیاست‌های اجتماعی و زیست-محیطی کشور میزبان است مورد تحلیل قرارگیرد در همین راستا در ادامه به تحلیل چند نمونه از این آرا پرداخته می‌شود. در محاکم داخلی به وضوح می‌توان استناد به



ابعاد مسئولیت اجتماعی را به عنوان یک تعهد حقوق بین الملل عرفی در استنادات و لوایح ارائه شده به دادگاه‌های کانادا دید فرضاً در دعوای نوسون علیه آرایا محکمه، کار اجباری و رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز با کارگران را نقض حقوق عرفی بین‌المللی^۱ قابل استناد می‌داند^۲ اما از منظر رویکرد بین‌المللی می‌توان به آرا مختلفی اشاره کرد. فرضاً در رای پرونده چمتورا علیه کانادا، شرکت چمتورا تولید کننده حشره کش بود ولی کانادا اجازه توزیع آن را با توجه به مضرات محیطی و انسانی آن در بازار نداد و دیوان در این خصوص مقرر رای به نفع دولت کانادا داد (Chemtura Corporation v. Government of Canada, UNCITRAL: 2010, p.254) یاپرونده شرکت کانادایی بیرکریک بر علیه پرو به استناد موافقتنامه تجارت آزاد پرو-کانادا، خواهان خسارات ناشی از مصادره غیرمستقیم و عدم رفتار منصفانه و عادلانه به میزان ۵۰۰ میلیون یورو است. در این قضیه، بومیان به دلیل نادیده گرفته شدن امتیاز معدنکاری‌شان توسط آن شرکت؛ اعتراض کرده بودند و در برخی موارد این اعتراض به خشونت منجر شده بود. سرمایه‌گذار ادعا نمود دولت پرو به جای بررسی وضعیت اجتماعی و محیطی در برابر اعتراضات سر تعظیم فرودآورده‌است و تمام اقدامات شرکت مبتنی بر مجوزهای محیط‌زیستی و مسئولیت اجتماعی و با رعایت حقوق بومیان صورت گرفته‌است. البته در مقابل، دولت پرو بیان کرد که سرمایه‌گذار بایستی رضایت بومیان را به عنوان یک شرط اساسی رعایت مسئولیت اجتماعی جلب می‌کرده و با وجود اعتراضات چند ماهه، اقدامی برای جلب رضایت آنها ننموده است و رفتاری گزینشی و تفرقه‌آمیز داشته است و فقط تعداد معدودی از جوامع بومی را حمایت کرده است. البته این استدلال‌ها باز هم دیوان را قانع نکرد و رأی به نفع سرمایه‌گذار صادر شد. (Bear Creek Mining Corporation v. Republic of Peru).

1. jus cogens

۲. Nevsun Resources Ltd. v. Araya, 2020 SCC 5 <https://scc-csc.lexum.com/scc-csc/scc-csc/en/item/18169/index.do>

ICSID Case No. ARB/14/2, Claimant's Memorial on the Merits, Nov 20, 2017, p. (29)

البته رویکرد کلاسیک همچنان در آرا داوری مرتبط با معاهدات سرمایه‌گذاری این کشور وجود داشته است. برای مثال در دعوی بیلکون و کشور کانادا، دیوان معتقد بود که استفاده از مفهوم جدید ارزشهای اصلی جامعه در سنجش میزان تأثیرات زیست‌محیطی با انتظارات قانونی سرمایه‌گذار خارجی در تضاد بوده و باعث نقض رفتار منصفانه و برابر شده است. در این پرونده، سرمایه‌گذار آمریکایی، پروژه معدن و ترمینال دریایی را در کانادا (نوآسکوتیا) ساخته و اجرا کرد. بالینحال این پروژه توسط یک هیأت بررسی کانادایی و در ارزیابی محیط‌زیستی متوقف شد؛ زیرا به اعتقاد این هیأت، این پروژه به «ارزش‌های اصلی جامعه» لطمه وارد کرده و با هیچ اقدامی قابل اصلاح نیست. سرمایه‌گذار مدعی شد که این عبارت مفهوم جدیدی است که در هیچ یک از قوانین محیط‌زیستی وجود ندارد. دیوان با حمایت از ادعای سرمایه‌گذار اظهار داشت که به کار بردن عبارت ارزشهای اصلی جامعه اعتماد سرمایه‌گذار را نسبت به دلگرمی پیشین دولت کانادا خدشه‌دار کرده است؛ لذا دیوان چنین نتیجه گرفت که رویکرد غیرمنتظره و بی‌سابقه هیأت بازرسی کانادایی در ارزیابی محیط‌زیستی‌اش، ناقض استاندارد رفتار منصفانه و برابر شده است. (Bilcon.v Canada, 2015, p.589-601) بنابراین می‌توان چنین ابراز عقیده نمود که دیوان‌های داوری هنوز در خصوص صدور آرای پویا و مبتنی بر ارزشهای نوین حقوق سرمایه‌گذاری چون مسئولیت اجتماعی تردید داشته و ارزش‌های اجتماعی را فدای دیرینگی قواعد سنتی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

البته اجرای تبعیض‌آمیز ضوابط زیست‌محیطی و اجتماعی در بدبینی مراجع رسیدگی‌کننده به استنادات این کشور به ضوابط اجتماعی در روند صدور آرا بی‌تأثیر نبوده است. مثلاً در دعوی مایرز به طرفیت کانادا، این کشور به عنوان دولت عضو نفتا، مقدمه موافقتنامه نفتا را برای اتخاذ شیوه‌های سازگار با محیط‌زیست به جهت توسعه‌پایدار مورد استناد قرارداد (S.D.Myers Inc. v. Canada, 2000 paras.214- 215)



باینحال این استنادپذیری در مرحله صدور رأی تأثیر چندانی نداشت و دیوان بیان- کرد که قصد واقعی کانادا، حفاظت از صنایع داخلی در برابر رقیبان آمریکایی بوده است تا ملاحظات محیط‌زیستی و این ملاحظات به طرق دیگر نیز قابل اعمال بوده‌است (Fortier, et.al., 2004, p.91). همچنین در پرونده شرکت ایتیل علیه دولت کانادا، شرکت مذکور با استناد به موازین موافقتنامه نفتا پس از ممنوعیت تولید افزودنیهای گازوئیلی در کانادا، به استناد عدم رعایت استانداردهای سلامت و زیست‌محیطی اقامه دعوا کرد و مطالبه ۲۵۰ میلیون دلار خسارت را بابت نقض حقوق بنیادین سرمایه- گذاری مندرج در موافقتنامه نفتا را نمود (Ethyl Corporation v. The Government of Canada, 1976) البته کانادا هم یک ماه پس از اقامه این دعوا، با پرداخت ۱۳ میلیون دلار و لغو ممنوعیت تولید افزودنی‌های گازوئیلی به این مسأله پایان داد و از استناد به حقوق اجتماعی و زیست‌محیطی دولت میزبان در مرجع داوری اجتناب نمود. عدم استناد دولت کانادا در استناد به مقدمه نفتا و دفاع از حقوق اجتماعی و فیصله دعوا پیش از صدور رأی، نشان از این دارد که یا این دولت در اجرای غیرتبعیض‌آمیز تعهدات اجتماعی موفق نبوده است و از صدور رأی نهایی داوری واهمه داشته‌است و یا از نتیجه پذیرش استدلال‌ها و استنادات موازین زیست‌محیطی و اجتماعی توسط مرجع رسیدگی‌کننده اطمینان نداشته و لذا ترجیح داده‌است پیش از صدور رأی و پرداخت مبلغی گزاف، مسأله را با خسارت کمتر خاتمه دهد و مصوبه را لغو کند.

۲-۴. برزیل

براساس گزارش آنکتاد در سال ۲۰۲۰، برزیل یکی از فعال‌ترین کشورها در زمینه جذب سرمایه بوده است.^۱ برزیل در سال ۲۰۱۵ به بعد، مجموعه‌ای از «توافقات همکاری و تسهیل سرمایه‌گذاری» منعقد کرد که این توافقات به دلیل مغایرت با توافقات سرمایه‌گذاری سنتی با مخالفت‌های شدید سیاسی روبرو شد. (Monebhurrun, 2017)

1. https://unctad.org/system/files/official-document/wir2020_en.pdf

(p.79-80). آخرین نمونه آن موافقتنامه برزیل در ۲۵ ژانویه ۲۰۲۰ با هند است که در ماده ۱۲ به مسئولیت اجتماعی اشاره شده است. همچنین در ماده ۱۹ این موافقتنامه آمده است که دیوان داوری صلاحیت رسیدگی از جمله در مسائل مربوط به مسئولیت اجتماعی سرمایه‌گذار دارد. برخلاف توافقات کلاسیک، توافقات همکاری و تسهیل سرمایه‌گذاری بر تسهیل سرمایه‌گذاری و کاهش خطر ناشی از آن تمرکز دارد. این توافقات برزیلی‌ها، بدلیل گنجاندن مفاد و استانداردهای مسئولیت اجتماعی ایده جدیدی در معاهدات سرمایه‌گذاری است (Morosini & Sanchez Badin, 2015, p.4). برخلاف معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه کاناداییها، در اکثر معاهدات برزیلی‌ها، استانداردهای مسئولیت اجتماعی شرکت بجای کشورهای دوطرف، مستقیماً به عهده سرمایه‌گذار گذاشته می‌شود. به‌عنوان مثال در معاهده میان برزیل و آنگولا، برزیل و موزامبیک، برزیل و مالاوی، برزیل و امارات و میان برزیل و مکزیک از سرمایه‌گذار خواسته شده تا بیشترین حد امکان برای توسعه پایدار کشور میزبان و جامعه محلی آن تلاش کند. (Brazil-AngolaACFI, 2015, art10; Brazil-MozambiqueACFI, 2015, art10; BrazilBrazilUAE, BIT, 2019, Article15(1), MalawiACFI, 2015, art9; BrazilMexicoACFI, 2015, art13). شیلی، کشورهای طرف معاهده باید بر تشویق سرمایه‌گذار به اجرا و رعایت مسئولیت‌های اجتماعی در قلمرو خود از طریق کدهای داوطلبانه و قواعد نرم صحنه گذارند و از سوی دیگر سرمایه‌گذاران می‌بایست تمام تلاش خود را برای انجام مسئولیت‌های اجتماعی بکارگیرند (Brazil-Chile. ACFI, 2015, art15(1)). معاهدات همکاری و تسهیل سرمایه‌گذاری، برخلاف پوشش گسترده‌شان، در مورد فساد، استاندارد مسئولیت اجتماعی ندارند. در عوض، از سرمایه‌گذاران خواسته می‌شود تا به فرآیندهای سیاسی و فعالیت‌های محلی احترام بگذارند و یا از دخالت بیجا در فعالیت‌های سیاسی محلی اجتناب کنند و این کار ممکن است به پوشش مسائل فساد کمک‌کند. مطالعه مفاد معاهدات سرمایه‌گذاری مختلف گویای این واقعیت است که هر



چند این توافقات طیف گسترده‌ای از استانداردهای مسؤولیت اجتماعی را مقرر می‌دارند، اما دربردارنده ماهیت داوطلبانه و غیرالزام‌آور هستند. (Zhu, 2017, p.115).

۳-۴. اتحادیه اروپا

پس از قطعنامه سال ۲۰۱۱ پارلمان اروپا و تشویق در راستای گسترش مسؤولیت اجتماعی، در راستای این سیاست و در سالهای اخیر، اتحادیه اروپا مقررات مسؤولیت اجتماعی را در تمامی توافقات مشارکتی و توافقات آزاد تجاری که به تازگی منعقد شده‌اند، گنجانده است. در این توافقات، اتحادیه اروپا بجای تکمیل مسؤولیت‌های اجتماعی بر سرمایه‌گذاران بیشتر کشورهای طرف معاهده را ملزم به ارتقای این مفاد می‌کند و برای این کار از بیانی غیرالزام‌آور برای ترسیم الزامات کشورها استفاده شده است. به‌عنوان مثال در توافق آزاد تجاری میان کلمبیا، اتحادیه اروپا و پرو، فصل نهم آن در باب تجارت و توسعه پایدار بود که ماده ۲۷۱ آن مقرر می‌دارد که طرفین می‌بایست در تسهیل و ارتقای تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم در زمینه محصولات و خدمات زیست‌محیطی تلاش کنند و طرفین توافق کردند که در زمینه مسؤولیت اجتماعی بهترین اقدامات تجاری را به کاربندند. (Colombia-EU-Peru FTA, 2012:art271(2)and(3)).

در بررسی و تحلیل رویه‌قضایی در اتحادیه اروپا، اشاره به چندین مورد برای شناخت رویکرد این اتحادیه در راستای منافع اجتماعی و زیست‌محیطی دولت میزبان حائز اهمیت است و به‌یرغم عدم اشاره مستقیم به مسؤولیت اجتماعی، زمینه‌های تحلیلی این بحث در این آرا نمایان است. برای مثال، در پرونده کمیسیون علیه یونان که مربوط به استفاده آیین رسیدگی اعمال جریمه نقدی به یک دست‌ورالعمل محیط-زیستی بود، دیوان بر اهداف غیراقتصادی و تقویت حقوق محیط‌زیست در اتحادیه-اروپا تأکید کرد و این امر موجب تحکیم صلاحیت اتحادیه اروپا برای اهداف

غیراقتصادی شد. (Case C-387/97 Commission v. Greece [2000] ECR I-5047.) همچنین در پرونده کمیسیون علیه استرالیا و کمیسیون علیه فرانسه، نیز دیوان اروپا با این که ملاحظات زیست‌محیطی را امری مشروع دانست، لیکن بر تناسب این اقدامات با محدودیت‌های ایجاد شده برای سرمایه‌گذاری تأکید کرد و در واقع بر اصل تناسب میان اهداف اقتصادی و اهداف غیراقتصادی تأکید کرد. با اینحال این دو رأی اخیر به‌رغم تأکید بر حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یک هدف و سیاست مهم، موضع منفعلانه و نمادین اتحادیه اروپا را در این زمینه نمایان می‌کند (Case C-333/08 European Commission v. French Republic [2009] ECR I-00757 و Case C-524/07 Commission v Austria [2008] ECR I-00187). همچنین رویه قضایی دیوان حقوق بشر اروپا در پرونده جیمز و دیگران در مقابل بریتانیا^۱ تأکید دارد که اقدامی که شخص را از دارایی‌هایش محروم می‌کند می‌بایست براساس حقایق و اصول و براساس هدفی مشروعی چون منافع عمومی باشد و میان ابزار بکارگرفته شده و هدفی که دنبال می‌کند رابطه‌ای منطقی و متناسب وجود داشته باشد (J.N.C.JAMES and Others v. UNITED KINGDOM. No. 8793/79:1984). در سال‌های اخیر نیز استناد به حقوق بشر در آرا قضایی اروپایی ترویج یافته است^۱ (برای مثال رجوع کنید به: یکی از جدیدترین موضع‌گیری‌های اروپا در اهمیت اهداف غیراقتصادی در مسائل سرمایه‌گذاری، پرونده شرکت نفت کانادایی است که در این رأی، دیوان دادگستری-اروپا، نقش مثبتی در تعادل منافع اقتصادی و محیط‌زیستی ایجاد کرد و بر نقش دولت‌ها در حفاظت از محیط‌زیست تأکید کرد. با اینحال دیوان باز هم مشخص نکرد که محدودیت‌های غیراقتصادی تا چه حدی به طور ذاتی تبعیض‌آمیز است (Case C-472/14 Mr Rantén and Canadian Oil Company Sweden AB ('Canadian Oil') and the Rikssåklagaren, 2016).

۱. برای مثال:

LG Dortmund, Urteil vom 10.01.2019-7095/15, L. Gaita, Risarcimento per il disastro ambientale in Nigeria: Eni sar`a giudicata in Italia, prima vittoria della comunit`a Ikebiri, Il Fatto Quotidiano (2018)



نهایتاً از بررسی آرا قضایی و داوری صادره در ساختار اتحادیه اروپا در باب موازین غیراقتصادی و حوزه‌هایی که به طور غیرمستقیم به مسؤلیت اجتماعی مربوط می‌شود، می‌توان اینگونه برداشت نمود که هنوز محدوده اقدامات دولت میزبان در اعمال مسؤلیت اجتماعی به عنوان یک عمل غیرتبعیض‌آمیز مشخص نیست و مراجع رسیدگی‌کننده در محدوده اعمال آن دچار تردید هستند و بیشتر آرا به نفع سرمایه‌گذار صادر می‌گردد.

۴-۴. ایران

در نظام کلاسیک حقوق سرمایه‌گذاری ایران، مضامین معاهدات در جهت حمایت از سرمایه‌گذار است و این روند تا اواسط دهه ۹۰ ادامه داشت. پس از آن، معاهدات سرمایه‌گذاری با تحولی بنیادین با کمی تاخیر اما همراستا با جنبش جهانی معاهدات سرمایه‌گذاری رو برو شد و توازن میان حقوق کشور میزبان و حقوق سرمایه‌گذار و دغدغه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی بروز یافت. با اینحال در معاهدات دوره کلاسیک، قیودی چون نظم عمومی، بهداشت و اخلاق عمومی را شاید بتوان مبنایی اعمال مسؤلیت اجتماعی دانست. هرچند بنظر می‌رسد گسترش شمول دامنه این مصادیق به مسؤلیت اجتماعی بسیار دشوار است؛ زیرا به‌رغم وجود این شروط، اتخاذ هر سیاستی که منافع سرمایه‌گذار را تحت‌تأثیر قرار دهد ممکن است دولت را با خطر از دست‌دادن میلیون‌ها دلار به علت نقض معاهده رو برو کند. همچنین قدرت مالی و دانش حقوقی شرکت‌های سرمایه‌گذاری با توجه به تجربه زیاد و کم‌تجربگی سیاستمداران ایرانی و عدم آشنائی به حقوق بین‌الملل و عدم دسترسی به وکلا و قضات مجرب و متخصص در حقوق بین‌الملل و بالتبع ترس از طرح دعوی توسط سرمایه‌گذاران و ناتوانی پرداخت خسارت‌های کلان در حوزه سرمایه‌گذاری عامل دیگری در شکست در محاکم و مراجع بین‌المللی می‌گردد و این موارد منجر به تجربه‌های ناموفقی در داوری‌ها شده‌است. فرضاً دیوان داوری ایران-آمریکا در

پرونده فلپس داچ، با اینکه از نگرانی‌های مالی، اقتصادی و اجتماعی ایران باخبر بود اما خواننده (ایران) را به پرداخت غرامت به فلپس داچ محکوم کرد. یا در پرونده تیپتس، ایت، مکاری، استراتن و شرکت مهندسین مشاور تامز افا ایران و دیگران، دیوان داوری ایران-آمریکا صراحتاً قصد از حمایت از کارگران را رافع مسئولیت نمی‌داند (تیموری و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۵). همچنین در پرونده فیلیپ به طرفیت دولت ایران و در قضیه استارت هاوزینگ به طرفین ایران، رویکرد کلاسیک و حمایت افراطی از منافع سرمایه‌گذار در برابر منافع دولت میزبان به وضوح مشهود است. (باغبان و- دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

بدین ترتیب، این برداشت و به تبع آن این نگرانی ایجاد می‌شود که در طی مذاکرات و انعقاد موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری و داوری‌های سرمایه‌گذاری، به کرامت انسان و حقوق بنیادین کشور ایران عمدتاً توجه نشده‌است؛ هرچند مراجع رسیدگی‌کننده در برخی موارد مانع سواستفاده دولتها از استناد به ابعاد غیراقتصادی به جهت نقض عهدنامه‌ها شده‌اند. برای مثال، در اختلاف بین دولت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نیز که به دنبال توقیف برخی از دارایی‌های ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۳۹۵ مورد رسیدگی قرار گرفت، دولت آمریکا با این استدلال که ماده ۲۰ عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی میان ایران و آمریکا مورخ ۱۹۵۵ میلادی (۱۳۳۴ شمسی) مانع از آن نخواهد بود که آن دولت، اقدامات ضروری مغایر عهدنامه که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و منافع اساسی امنیتی لازم است را انجام دهد و بر همین اساس خواستار آن شد تا دیوان نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت اقدام نماید که اعضای دیوان به اتفاق آرا این ایراد و اعتراض دولت آمریکا را مورد پذیرش قرار ندادند (Islamic Republic of Iran v. United States of America, I.C.J. Reports, 2019:20&41).

به نظر می‌رسد مسئولیت اجتماعی در حال حاضر هنوز نتوانسته از به عنوان یک گفتمان غالب در نظام حقوقی ایران پدیدار شود و دلایل آن این است که در ایران



عموم مردم فاقد بینش و دانش کافی از مسائل حقوق بشری و زیست محیطی هستند و سازمان‌های مردم‌نهاد کمتری فعالیت دارند. در صورتی که همانطور که گفتیم یکی از عوامل رشد و تثبیت مسؤولیت اجتماعی، فعالیت این نهادها و افزایش آگاهی عمومی است. از طرفی به دلیل پراکندگی قومی در ایران، مسأله مسؤولیت اجتماعی و حقوق بشر نتوانسته به عنوان یک فرهنگ غالب تثبیت شود. همچنین در حوزه حقوق سرمایه‌گذاری نیز، به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و سوابق تاریخی منفی از جذب سرمایه‌گذار، همچون قرارداد داری و رویکرد عمدتاً منفی سیاستمداران به سرمایه‌گذاری خارجی، معاهدات سرمایه‌گذاری اندکی میان ایران و کشورهای دیگر منعقد شده‌است و لذا نظام سرمایه‌گذاری در ایران نتوانسته است همگام با سایر کشورها پیش‌رود. اما با توجه به اینکه کشور ایران یکی از کشورهای نفت‌خیز و دارای منابع تجدیدناپذیر می‌باشد، حفاظت از این منابع در راستای توسعه پایدار یکی از مهم‌ترین اقدامات دولتها به شمار می‌رود؛ بنابراین ضروری است شرط مسؤولیت اجتماعی را در همه معاهدات سرمایه‌گذاری خود وارد نماید تا چنانچه اقدامات مرتبط با سرمایه‌گذاری، منافع اجتماعی را به مخاطره اندازد دولت ایران بتواند در عین حال که اقدامات لازم را انجام می‌دهد عمل مغایر معاهده مرتکب نشده و در نتیجه مسؤول قلمداد نگردد.

در معاهدات دوره مدرن، که عمدتاً به دلیل رفع تحریم‌ها در دوره پس‌اجرام منعقد شد، به شکلی مشابه در مقدمه معاهدات بیان شده‌است که هدف از این معاهدات سرمایه‌گذاری، توسعه پایدار و توازن کلی بین حقوق و تعهدات سرمایه‌گذار و دولت میزبان (نه صرفاً حمایت از حقوق سرمایه‌گذار) و تشویق مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها است. برای مثال در موافقتنامه بین ایران و ژاپن، در بنده ماده ۱ بر کمک مؤثر بر اقتصاد دولت میزبان از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اساسی کسب‌وکار و سازمانهای تحقیق و توسعه غیرانتفاعی تأکید شده است. همچنین در تمامی معاهدات این دوره، مسؤولیت اجتماعی با سیاستی نرم تشویقی و صرفاً تعهدی برای دولتهای

طرف معاهده در نظر گرفته شده است و نهایتاً ضمانت‌اجرای در نظر گرفته شده، درخواست یا دعوت به مذاکره است (ماده ۸ موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری متحده تانزانیا: ۱۳۹۵). بااینحال در میان معاهدات دوره مدرن، معاهداتی نیز یافت می‌شود که هنوز شکل معاهدات کلاسیک را داشته و قیدی از مسؤلیت اجتماعی در آن وجود ندارد (موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه و تشریفات پروتکل آن: ۱۳۹۵): لذا نمی‌توان ادعا کرد که سیاستهای انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری به سوی حمایت از مسؤلیت اجتماعی به صورت متحدالشکل اتخاذ گردیده است.

برای تحکیم مسؤلیت اجتماعی در روابط سرمایه‌گذاری در ایران، قانونگذار باید بتواند در مقابل طرح دعوی سرمایه‌گذار، قوانین مناسبی را تصویب کند و همچنین باید در مقابل دعاوی سرمایه‌گذار دست به عمل متقابل زده و در صورت نقض منافع ملی خود اقدامات لازم انجام دهد. همچنین بنظر می‌رسد، با توجه به تجربه موفق برزیل و کانادا در تثبیت حقوقی مسؤلیت اجتماعی در نظام سرمایه‌گذاری، بایستی در معاهدات سرمایه‌گذاری شروطی با جزئیات و به صورت دقیق در باب تعهدات اجتماعی سرمایه‌گذار اضافه شود. براساس این شروط سرمایه‌گذار باید تمام تلاش خود را در جهت همکاری و کمک برای دستیابی به توسعه پایدار در کشور میزبان بکار بندد.

۵. چالش‌های تفسیر و اجرای مفاد مسؤلیت اجتماعی شرکتها در معاهدات سرمایه‌گذاری

در مقام تفسیر و اجرای مفاد مسؤلیت‌های اجتماعی، چالش‌های زیادی وجود دارد. در زیر برخی از آنها و راهکارهای رفع یا کاهش آن بررسی می‌گردد.



۵-۱. ترس دولت میزبان از جبران خسارت و هزینه‌های دادرسی

نخست اینکه کشورهای درحال توسعه به علت ترس از جبران خسارت، ممکن است از قانونمندی کردن فعالیتهای اقتصادی سرمایه‌گذاران اجتناب نمایند و بنابراین از شکایات ناشی از اجرای مقررات اجتماعی و زیست‌محیطی واهمه دارند؛ تا حدی که در برخی موارد حتی دولت‌ها از تنظیم قوانین ناظر بر حفاظت از منافع اجتماعی و زیست‌محیطی واهمه داشته و امتناع کرده‌اند^۱ که از آن به عنوان لرزش نظارتی^۲ نیز یاد شده است (Sofia Rizo Massu, 2020, p.74) نمونه این ترس در پرونده شرکت ایتیل علیه دولت کانادا در مباحث قبلی اشاره شد. این ترس به دلیل نتیجه اعمال مسؤولیت اجتماعی و «خودقضاوتی» دولت میزبان در عمل به شرط است. در برخی معاهدات، عبارات یا کلماتی وجود دارد که این اختیار را به دولت اعطا می‌کند تا بر اساس صلاحدید و نظر خویش مبادرت به انجام اقدامات مغایر با عهدنامه نماید. بنظر می‌رسد سنجش اقدامات براساس حسن‌نیت می‌تواند ملاک مناسبی برای مرجع رسیدگی باشد و هدف از رعایت «اقدام براساس حسن‌نیت» آن است تا از هرگونه سوءاستفاده دولت میزبان به جهت استناد به این شرط پرهیز شود. فرضاً در دو اختلاف میان آرژانتین با سرمایه‌گذاران، دیوان داوری ایکسید، بر این نکته تاکید داشته است که «... هرچند ماده ۱۱ معاهده دوجانبه میان آرژانتین و آمریکا، اختیاری بدون محدودیت را به طرفین می‌دهد؛ اما این اختیار منوط به رعایت حسن‌نیت است و دیوان داوری صلاحیت بررسی احراز این معیار را دارد، هرچند حق ورود به ماهیت قضیه را ندارد» (MS Gasw Transmission Co. v. Argentine Republic, ICSID Case No.ARB/01/8, Award of 12 May 2005, para.349-352; LG & E Energy Corp., LG & E Capital Corp., LG&E International Inc.v.Argentine Republic, ICSID Case No.Arb/02/1, decision on liability of 3 October 2006, para.208-209; Continental Casualty Company v.argentine Republic, ICSID Case No.ARB/03/9, Award of 5 September 2008, para.183)؛ بنابراین مراجع حل

۱. فرضاً استرالیا در سال ۲۰۱۱ قانون تنباکو در جهت کاهش مصرف دخانیات را برای جلوگیری از شکایات سرمایه‌گذار معلق نمود (Zhu, 2017, p.98)

۲. regulatory chill

اختلاف ایکسید این عقیده را دارند که وجود این شرط نافی صلاحیت مرجع حل اختلاف نیست (Schill&Briese, 2009, p.113). همچنین به نظر می‌رسد با رعایت برخی ضوابط دولتها بتوانند ضمن دفاع از منافع اجتماعی خود، در مرحله رسیدگی نیز بتوانند مرجع رسیدگی‌کننده را برای اقدام خود قانع نمایند. برای این امر اولاً دولت عضو باید اثبات نماید آن اقدام در راستای حفاظت از منافع امنیتی‌اش بوده است و ثانیاً با تهدیدی که آن امنیت را به مخاطره انداخته است، تناسب دارد. چنانچه رکن حل و فصل چنین برداشت نماید که اساساً ریسکی وجود نداشته و یا اقدامات مغایر صورت گرفته هیچ اثری بر حفاظت از منافع در خطر نداشته است، اقدام دولت را مبتنی بر حسن نیت ندانسته و آن را مسؤول قلمداد می‌نماید. همچنین اعمال مسؤلیت اجتماعی بایستی در چارچوب رعایت سایر موازین از جمله اصل عدم تبعیض و رفتار ملی صورت گیرد.

نکته دیگر این که خیلی از دولتها به دلیل درس از هزینه‌های دادرسی از تصویب قوانین حاوی مسؤلیت اجتماعی امتناع می‌کنند (Saloranta, 2021, p.9; Winibaldus, 2020, p.12) در عمل حتی کشورهای قدرتمند مانند آلمان، به دلیل گران بودن روش داوری، در اختیار اعمال سیاست‌های خود برای تنظیم مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست، تردید دارند و در نتیجه، استانداردهای مربوطه مسؤلیت اجتماعی به دلیل این ضعف دادرسی تضعیف شدند. (Carvalho, 2020, p.416)

۵-۲. ترس مراجع رسیدگی‌کننده از اظهار نظر فراتر از خواسته

مراجع داوری نیز ابعاد اجتماعی را در رسیدگی‌های خود لحاظ نمی‌کنند و همیشه ترس دارند که در صورت لحاظ آن، بیش از اختیاراتشان عمل کرده و متهم به اظهار نظر قضایی فراتر از خواسته دعوی شوند (Meshel, 2015, p.19) همچنین دیوانها ممکن است در تفسیر این مفاد دچار مشکل شوند؛ زیرا این مفاد به درستی تعریف



نشده‌اند و ارجاع کلی به «مسؤولیت اجتماعی» به عنوان رویکردی که در معاهدات سرمایه‌گذاری فوق‌الذکر استفاده شده‌است؛ ممکن‌است مشکلاتی را برای آنها هنگام تفسیر این مفاد بوجود بیاورد. البته این ابهام می‌تواند به ماهیت انعطاف‌پذیر مسؤلیت اجتماعی مربوط شود و دست مرجع رسیدگی‌کننده را در تفسیر باز بگذارد. برای حل این چالش، معاهدات سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا رویکرد متفاوتی را در پیش‌گرفته‌اند. آنها به اسناد خاص مسؤلیت اجتماعی بین‌المللی شرکت‌ها رجوع می‌کنند؛ اسنادی همچون قطعنامه سه‌جانبه سازمان بین‌المللی کار و دستورالعمل‌های سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که راهنمای بهتری برای دیوانهاست تا آنها استانداردهای مسؤلیت اجتماعی خاصی که طرفین اتخاذ کرده‌اند را تشخیص دهند. همچنین در این موارد، دیوان‌ها می‌توانند ورود اشخاص ثالث ذی‌صلاح اجازه دهند که گزارش‌هایی مختصر را ارائه دهند که از آنها به عنوان دوست دادگاه یاد شده است (Joshi, 2020, p.7)

به‌نظر می‌رسد، مراجع رسیدگی‌کننده بایستی دست از تفسیر کلاسیک معاهدات سرمایه‌گذاری برداشته و با توجه به ضرورت رعایت مسؤلیت اجتماعی و دیدگاه متوازن نسبت به تعهدات دولت میزبان و سرمایه‌گذار براساس اصل رفتار منصفانه، پویایی در عرصه رویه قضایی ایجاد کرده و آرائی را با رعایت سایر موازین معاهده در راستای تثبیت مسؤلیت اجتماعی سرمایه‌گذار صادر نمایند. از طرفی در داورهای دولت-دولت یا حل اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت تحت مرکز بین‌المللی حل اختلاف سرمایه‌گذاری^۲ هدف دسترسی جبران خسارت سرمایه‌گذاران علیه دولت است و برای اشخاص ثالث طراحی نشده‌است، لذا برای یک قربانی نقض حقوق بشر، طرح یک ادعای حقوق بشر علیه سرمایه‌گذاران دشوار است. این ادعا ممکن‌است فقط در صورت پذیرفتن سرمایه‌گذاران برای پرکردن درخواست داور،

1. a friend of the court or "amicus curiae"

2. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

یا در صورت شروع درخواست توسط سرمایه‌گذاران، (که در عمل بعید است) صورت‌گیرد؛ (Winibaldus, 2020, p.8) بنابراین در رویه قضایی اشاره به مسؤلیت اجتماعی تقریباً نادر و کم‌نظیر است. بالینحال ردپایی از این مباحث، اخیراً در برخی پرونده‌های حقوقی به نحو مستقیم و غیر مستقیم می‌توان یافت. پرونده‌ی هولدینگ آپ و سیدی علیه مجارستان خوانده در دفاع از خود به مسؤلیت اجتماعی آنهم به عنوان یک هدف خیرخواهانه و نه وظیفه‌ای حقوقی اشاره می‌کند (UP and C.D Holding Internationalev. Hungary (2018) Date of dispatch to the Parties: 129) همچنین در پرونده اوربازر علیه آرژانتین، محکمه دآوری اجازه طرح مسائل حقوق بشری را در دعوای سرمایه‌گذاری داد. در این پرونده یک دعوای متقابل در باب امتیاز ارائه شده و نقض حق دسترسی آب، توسط آرژانتین مطرح شد. اگرچه این دعوای متقابل به این دلیل رد شد که حقوق بشر در مورد آب فقط به دولت تحمیل می‌شود، نه به بخش خصوصی، بالینحال دیوان بطورکلی ضمن اثبات صلاحیت بررسی ادعاهای حقوق بشر در سرمایه‌گذاری، گامی انقلابی برداشت و بیان داشت منع ارتکاب اعمال نقض حقوق بشر تعهدی نه تنها برای دولتها، بلکه برای افراد و سایر اشخاص خصوصی نیز هست و برای اولین بار به صراحت بیان داشت که سرمایه‌گذاران نیز نباید حقوق بشر را نقض کنند. این استدلال حقوقی حداقل نشان‌دهنده این بود که دیوان آماده است تا با اجازه دادن به ادعاهای حقوق بشری در دآوری‌های سرمایه‌گذاری رویکرد تعادلی را اتخاذ کند. همچنین در این پرونده بیان شده است که در این زمینه حقوق بین‌الملل، مسؤلیت اجتماعی شرکتها را به عنوان استاندارد بسیار مهم برای شرکت‌های فعال در زمینه تجارت بین‌الملل می‌پذیرد. این استاندارد شامل تعهدات پیروی از حقوق بشر در چارچوب فعالیت آن نهادها است که در کشورهای دیگری غیر از کشور محل استقرار یا عضویت آنها انجام می‌شود (Urbaser S.A. and Consorcio de Aguas Bilbao Bizkaia, Bilbao Biskaia Ur Partzuergoa v.The Argentine Republic, 2018 ICSID Case (No.ARB/07/26:317



در عمل درباره موضوعات زیست‌محیطی، قدرت اقناع بیشتری را می‌توان در گسترش صلاحیت دیوان‌ها یافت (Burlington Resources Inc. v Ecuador, ICSID Case no. ARB/08/5, Decision on Counterclaims, 2017; Perenco Ecuador Limited v Ecuador, ICSID Case no. ARB/08/6, Award, 27.2019 Section IV) در همین راستا در پرونده بورلینگتون علیه اکوادور و پرنکو علیه اکوادور ترجیح منافع زیست‌محیطی بر منافع سرمایه‌گذار به وضوح دیده می‌شود (Burlington Resources Inc. v. Republic of Ecuador, Decision on Counterclaims, 2017: ICSID Case, No.ARB/08/5, para 447&; Perenco Ecuador Ltd. v. The Republic of Ecuador and Empresa Estatal Petróleos Del Ecuador (Petroecuador), 2019ICSID Case. No. ARB/08/6, para899) موریس علیه اروگوئه دیوان بیان‌داشت که الزام دولت مبنی بر ساده‌بودن بسته‌بندی دخانیات و عدم تبلیغ دخانیات بر روی بسته‌بندی‌ها موجب نقض حقوق بین‌الملل نشده و دولت میزبان به درستی به منظور حفظ سلامت عمومی جامعه از اختیارات سیاست‌گذاری خود استفاده کرده است (Philip Morris Brands Sàrl, Philip Morris Products S.A. and Abal Hermanos S.A. v.Oriental Republic of Uruguay, ICSID Case No. ARB/10/7, Award (2016), para181.) زمینه دیگر برای اعمال مسئولیت اجتماعی از رهگذر قضایی کنوانسیون نیویورک پیرامون شناسایی و اجرای آرا داوری و هم در قانون نمونه آنسیترال است که براساس آنها دادگاه ملی می‌تواند آرا داوری را به دلیل نقض نظم عمومی که به نوعی خط‌مشی برای اجرای مسئولیت اجتماعی است، اجرا نکند این مسأله در ماده ۵ بند ۲ قسمت ب کنوانسیون نیویورک مورد اشاره قرار گرفته است، البته در ایفای مسئولیت اجتماعی تاکنون استنادی بر این بند برای عدم اجرای آرا صورت نگرفته است (

1. public policy

۲. ماده ۵ (۲) ب «در صورتی ممکن است از شناسایی و اجرای حکم داوری نیز امتناع به عمل آید که مرجع صالح کشوری که شناسایی و اجرای حکم از آن درخواست شده احراز کند که:

الف:...

ب: شناسایی یا اجرای حکم با نظم عمومی آن کشور مغایرت دارد.»

Joshi, 2020, p.12) هرچند اخیراً در برخی پرونده‌ها تلاش به استناد به این بند برای جلوگیری از اجرای رای داورى شده است (State Trading Corporation v Betamax Ltd: 2019, p. 154)

۵-۵. تغییر ماهیتی معاهدات سرمایه‌گذاری

با اعمال شروط مسؤولیت اجتماعی، این معاهدات از ساختار سنتی خود که صرفاً حمایتی است، جدا شده و می‌تواند برای سرمایه‌گذار غیرقابل اعتماد باشد و شیوه حل‌وفصل اختلافات کلاسیک را دچار تغییرات بنیادین نماید؛ بنابراین درج شرط مسؤولیت اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری موجب تغییر ماهیت معاهدات می‌گردد (Massu, 2020, p.80) توافقات سرمایه‌گذاری معاهده‌ای سه‌ضلعی است که کشورهای طرف معاهده را ملزم به حمایت از سرمایه‌گذار به عنوان شخص ثالث ذینفع می‌کند (Roberts, 2015, p.353 & Boki, 2020, p.5)؛ اما چالشی که پیشروست این است که آیا گنجاندن مفاد مسؤولیت اجتماعی شرکت در معاهدات سرمایه‌گذاری و تحمیل الزاماتش نه تنها بر کشورهای میزبان بلکه بر سرمایه‌گذار خارجی، ماهیت این معاهدات را تغییر می‌دهد؟ و این که چطور مفاد مسؤولیت اجتماعی در کنار سایر تعهدات اصلی کشور میزبان باید تفسیر شود؟ به‌رغم اینکه معاهدات سرمایه‌گذاری ایران هیچ قیدی در این زمینه ندارند، اکثر معاهدات سرمایه‌گذاری در برزیل، کانادا و اتحادیه اروپا مفاد مسؤولیت اجتماعی را مبنای دعوا در روند داورى نمی‌دانند، بااینحال، دیوان ممکن است این مفاد را به عنوان زمینه‌ای برای تفسیر سایر بندهای معاهده سرمایه‌گذاری از جمله بند عدم تبعیض، رفتار منصفانه و برابر و بند سلب مالکیت در نظر بگیرد. برای مثال در پرونده کم‌تورا و کانادا، دولت کانادا ثبت محصولات سرمایه‌گذار آمریکایی را به دلیل استفاده از لیندین که نوعی حشره‌کش خطرناک بود لغو کرد. سرمایه‌گذار آمریکایی مدعی شد که اقدام دولت کانادا براساس ماده ۱۱۰ نفتا معادل سلب مالکیت است. بااینحال، دیوان اظهار داشت که دولت کانادا در چارچوب اختیارات خود عمل کرده و این عمل غیرتبعیض‌آمیز بوده و برای



سلامت انسان و محیط زیست ضروری است، لذا مفاهیم معاهده نفتا در راستای مسؤلیت اجتماعی تفسیر شد (Chemtura v Canada, 2010, p.138).

۵-۵. انتظارات مشروع سرمایه‌گذار

نادیده انگاشتن انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران ممکن است موجب مسؤلیت دولت گردد. اصولاً سرمایه‌گذاری در هر زمینه‌ای به ویژه در یک کشور خارجی مستلزم آن است که سرمایه‌گذار اطمینان خاطر پیدا کند که سرمایه‌گذاری وی نه تنها خطری برای سرمایه وی به دنبال نخواهد داشت، بلکه سودآور نیز خواهد بود. از این موضوع تحت عنوان انتظارات مشروع سرمایه‌گذار یاد می‌شود. بدان معنا که سرمایه‌گذاران عموماً خواهان ثبات اقتصادی، سیاسی و تقنینی هستند و انتظار دارند دولت میزبان بی‌جهت و ناوراً انتظارات و اتکا مشروع آنها را نقض نکند (بهمئی و تقوی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵). حال تصور کنید دولت میزبان با استناد به شرط مسؤلیت اجتماعی ناگزیر از انجام اقداماتی است که آن اقدامات مغایر با معاهده و به تبع آن انتظارات مشروع سرمایه‌گذار است. بدیهی است هریک از طرفین خود را ذیحق دانسته و طرف مقابل را مسؤول قلمداد می‌نماید. مثال به قضیه «سالوکا» اشاره می‌شود که در این اختلاف، دیوان دآوری به کرات بر این نکته تاکید دارد که «هیچ سرمایه‌گذاری نمی‌تواند به نحو معقولی انتظار داشته باشد که شرایط غالب در زمان ایجاد سرمایه‌گذاری به طور کلی بدون تغییر باقی بماند» (میهمی، ۱۳۹۸، ص ۲۷۲). به نظر می‌رسد، آستانه نقض انتظارات مشروع این است که آیا تغییرات نظارتی توسط یک سرمایه‌گذار محتاط قابل پیشبینی بوده است یا خیر (Business Responsibilities and Investment Treaties OECD Public Consultation, 2020, p.52) این مساله در رویه قضایی نیز مورد تاکید و اشاره قرار گرفته است (Stadtwerke Munchen and others v. Spain :2019, para.264 & Antin Infrastructure Services Luxembourg S.à.r.l. and Antin Energia Termosolar B.V. v. Kingdom of Spain: 2018, para. 432 & Belenergia v. Italy: 2019, para.585 Eiser Infrastructure Limited and

Energia Solar Luxembourg S.à.r.l v. Kingdom of Spain, 2018, ICSID Case No. ARB/13/36

بنابراین به موجب رویه‌های اخیر دیوان‌های داوری، صرف نقض انتظارات مشروع سرمایه‌گذار توسط دولت میزبان مسئولیت‌آور نیست؛ البته به شرط آنکه میان اقدام دولت و ضرری که به سرمایه‌گذار خارجی وارد می‌شود، تناسب وجود داشته باشد؛ یعنی چنانچه تأثیر اقدام دولت بر امر سرمایه‌گذاری در جهت منافع عمومی حمایت شده، متناسب و درخور باشد دولت مسئولیتی ندارد. به نظر می‌رسد راهکار مقابله با این چالش آن است که دیوانهای داوری باید انتظارات نقض شده سرمایه‌گذار خارجی را در برابر نفع عمومی دنبال شده به وسیله دولت میزبان مورد سنجش قرار دهند و نوعی تعادل و توازن میان انتظارات مشروع سرمایه‌گذار خارجی و اقدام برخلاف مفاد معاهده ایجاد نمایند. شایان ذکر است که صرف استناد دولت میزبان به حقوق داخلی، نقض انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران را توجیه نمی‌کند و بنا بر رویه مراجع داوری، به دلیل برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی در تفسیر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، رفتار دولت بر اساس اصول و قواعد بین‌المللی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد (زمانی و شیرعلیزاده، ۱۳۹۸، ص ۱۱۱)؛ لذا در صورت وجود شرط مسئولیت اجتماعی در معاهدات سرمایه‌گذاری، همواره این احتمال وجود دارد که دولت میزبان از این شرط سوءاستفاده نموده و حقوق مشروع سرمایه‌گذار در معرض تهدید قرار گیرد. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین راهکارها موظف دانستن دولت استنادکننده به شرط، به ارائه دلیل یا دلایل موجه است.

۵-۶. شخصیت بین‌المللی شرکت‌های فراملی

با توجه به اینکه شخصیت بین‌المللی شرکت‌های فراملی هنوز در هاله‌ای از ابهام است و مخاطب قراردادن خود شرکتها در سندی بین‌المللی و الزام آنها به تبعیت از آن توجیهی حقوقی ندارد، لذا بنظر می‌رسد دولت‌ها بایستی با الزام یکدیگر در تشویق شرکت‌های سرمایه‌گذار به تبعیت از موازین مسئولیت اجتماعی سعی در پرکردن این خلاء حقوقی داشته باشند. البته باید توجه داشت که اگرچه استفاده از کدهای رفتاری



داوطلبانه و تشویق سرمایه‌گذار به تنظیم این کدها، قدم مثبتی در راستای تثبیت شخصیت بین‌المللی است، ولی شاید شناسایی رسمی شخصیت بین‌المللی برای شرکت‌ها و توسل به لحنی شدیدتر و جدی‌تر و استفاده از کدهای رفتاری شناخته شده و بین‌المللی مانند اصول حقوق بشر و مسؤولیت برای شرکت‌های فراملی و دیگر نهادهای تجاری^۱ به تقویت این شروط و جایگاه آنها در معاهدات کمک بیشتری کند.

۵-۷. ماهیت نرم موازین مسؤولیت اجتماعی

برخلاف تعهدات سرمایه‌گذاری که از لحاظ قانونی ماهیتی سخت دارند، اکثر استانداردهای مسؤولیت اجتماعی شرکت در اسناد بین‌المللی ماهیتی نرم داشته‌اند؛ زیرا در بیان آنها از زبانی غیرالزام‌آور و داوطلبانه استفاده شده است و از سازوکار اجرایی مؤثری برخوردار نیستند. گنجاندن هنجارهای نرم مسؤولیت اجتماعی در معاهدات سخت سرمایه‌گذاری چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا می‌توان انتظار داشت که این هنجارهای نرم در مقابل تعهدات سخت سرمایه‌گذاری مقاومت کرده و قابل استناد باشند؟ و یا با توجه به ماهیت داوطلبانه آنها در سایر ابزارهای بین‌المللی آیا باید آنها را تنها رویکردی تشویقی یا توصیه‌ای دانست؟ مطابق رویه کانادا، برزیل و اتحادیه اروپا و ایران مفاد مسؤولیت اجتماعی شرکت در معاهدات سرمایه‌گذاری به طور صریح داوطلبانه است، در نتیجه به‌نظر می‌رسد حداقل در مقطع کنونی عراق- آمیز است اگر بگوییم مقررات مسؤولیت اجتماعی شرکتها، روشی مؤثر در برقراری تعادل میان منافع عمومی و حقوق سرمایه‌گذار است. به‌نظر می‌رسد، اعمال شرط مسؤولیت اجتماعی به نحوه قابل استناد و لازم‌الاجرا در مراجع حقوقی، می‌تواند در درجه نخست منجر به این شود که متخطی از این شروط ملزم به جبران خسارت شده و حقوق سرمایه‌گذار را محدود نماید. فرضاً می‌توان چنین شرط کرد که

1. Norms on the Responsibilities of Transnational Corporation and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, UN Doc.E/CN.4/Sub.2/2003/12/rev.2, 13 august 2003; Commentary.

چنانچه سرمایه‌گذار به تعهدات اجتماعی عمل نکند، نتواند به طرح دعوی در مراجع توسل جوید و یا عدم پایبندی سرمایه‌گذار به تعهدات اجتماعی منجر به افزایش حقوق کشور سرمایه‌پذیر گردد (Sheffer, 2011, p.25).

۶. نتیجه‌گیری

توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، آگاهی جهانی نسبت به تأثیرات اجتماعی قابل توجه بنگاه‌های چندملیتی را افزایش داد. در همین راستا، مفهومی تحت عنوان مسؤولیت اجتماعی مطرح شد. مسؤولیت اجتماعی سیاست‌هایی است که نگرانی‌های محیط-زیستی، اجتماعی و اقتصادی را مدنظر قرار می‌دهد. تضمین حقوقی این سیاستها از روشهای مختلفی در عرصه سرمایه‌گذاری بین‌المللی صورت می‌گیرد. یکی از آنها، درج این مسؤولیت در معاهدات مدرن سرمایه‌گذاری کشورهاست. در سالهای اخیر همگام با رشد جنبش مسؤولیت اجتماعی در حقوق تجارت بین‌الملل رویکرد جدیدی توسط کانادا، برزیل و اتحادیه اروپا به عنوان کشورهای پیشتاز مبنی بر گنجانیدن استانداردهای مسؤولیت اجتماعی شرکت در توافقات سرمایه‌گذاری ارائه شده است و مسائل مرتبط با جامعه و محیط‌زیست را مد نظر قرار داده تا میان حقوق سرمایه‌گذار خارجی و منافع عمومی کشور میزبان تعادل برقرار کنند. ایران نیز از این قافله عقب نمانده است و به ویژه در دوره پسابرجام، ضمن انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری، مدل معاهداتی خود را از کلاسیک به مدرن تغییر داده است و به درج تعهدات نرمی چون تشویق به مسؤولیت اجتماعی تمایل پیدا کرده است. این اهداف اجتماعی و زیست محیطی هر چند به عنوان راهنما برای تفسیر مفاد معاهده در دسترس دیوانهای داوری سرمایه‌گذاری هستند؛ با اینحال این قیود نمی‌توانند روشی عملی در ایجاد توازن میان منافع سرمایه‌گذار خارجی و منافع عمومی باشند و بدلیل نقش سنتی سرمایه‌گذار خارجی به عنوان شخص ثالث ذینفع در معاهدات سرمایه‌گذاری، ماهیت نرم این استانداردها و ابهام در تعریف این مفاد، اثرگذاری این رویکرد جدید در هاله‌ای از ابهام است. لیکن به نظر می‌رسد به‌کارگیری قواعد سخت و



بازگذاشتن بیش از حد دست کشور میزبان در اعمال سیاستهای اجتماعی می‌تواند منجر به کاهش میل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در آن کشور به دلیل پیش‌بینی- ناپذیری آینده و ثبات سرمایه‌گذاری گردد. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، مراجع رسیدگی وظیفه خطیر ایجاد توازن میان حق سرمایه‌گذار برای کار در محیطی منصفانه و حق کشور میزبان برای تنظیم مسؤلیت‌های اجتماعی سرمایه‌گذار خارجی را از طریق تفسیر متعادل‌تر از مقررات بین‌المللی سرمایه‌گذاری در داوریه‌های سرمایه‌گذاری بر عهده دارند و این تعادل با در نظر گرفتن سیاستهای مسؤلیت اجتماعی شرکت در ارزیابی عدم تبعیض، رفتار منصفانه و برابر و سلب مالکیت غیرمستقیم محقق می‌شود. برای تضمین رعایت مسؤلیت اجتماعی در نظام حقوقی سرمایه‌گذاری ایران، براساس مطالعات صورت‌گرفته و تجربه کشورهای مورد مطالعه پیشنهاد می‌گردد، در درجه نخست، دولت سیاست‌هایی را اعمال نماید که آگاهی عمومی در زمینه مسؤلیت اجتماعی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد افزایش یابد. دوم، معاهدات، موازین مسؤلیت اجتماعی و کدها و استانداردهای داوطلبانه‌ای که خود شرکتها آنها را تنظیم می‌نمایند به عنوان منبع تفسیر معرفی کند. در نهایت پیشنهاد می‌شود معاهدات سرمایه‌گذاری به‌گونه‌ای تدوین گردند که قواعد مسؤلیت- اجتماعی بر حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی برتری داشته باشد.

۷. منابع و ماخذ

۱-۷. منابع فارسی

۱-۱-۷. کتابها و مقاله‌ها

۱. باغبان، رحیم و محمدجعفر قنبری جهرمی و محمود باقری، «جنبه‌های حمایتی حقوق ایران در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مطالعه تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، سال دهم، شماره سی و ششم، ۱۳۹۶.

۲. بهمنی، محمدعلی و نجمه تقوی، «حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار و چالش‌های فراروی آن در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۴، ۱۳۹۵.
۳. تیموری، محمدصادق، لعیا جنیدی، محمد صقری و رضا عباسیان، «سلب مالکیت غیرمستقیم سرمایه‌گذاران خارجی؛ جستاری در حقوق ایران و بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، دوره ۷، شماره ۲۴، ۱۳۹۷.
۴. زمانی، سیدقاسم و ابوالفضل شیرعلی‌زاده، «اصول و رویه تفسیر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی توسط محاکم داوری و ترجیح حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی»، *مجله حقوق دادگستری*، شماره ۱۰۵، ۱۳۹۸.
۵. پاسبان، محمد رضا، زینب اصغری، «نقش رفتار منصفانه در حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی با تاکید بر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی»، *پژوهش حقوق خصوصی*، سال ۳، شماره ۸، ۱۳۹۳.
۶. بهزادی پارسا، آرش و سید جمال سیفی، «رابطه میان حقوق سرمایه‌گذار خارجی و تعهدات بین‌المللی حقوق‌بشر و محیط‌زیست»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۶۱، ۱۳۹۸.
۷. عسکری، پوریا، «حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی در رویه داوری بین‌المللی»، چاپ دوم، شهر دانش، تهران، ۱۳۹۴.
۸. لطفیان، محمد حسین، «شرکت‌های چند ملیتی و محدودیت‌های حقوق بشری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۶۰، ۱۳۹۱.
۹. میهمی، مهدی، «انتظارات مشروع سرمایه‌گذار در تقابل با منافع اساسی کشور میزبان و تحلیل آن به عنوان ریسک سیاسی»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال هشتم، شماره ۲۸، ۱۳۹۸.
۱۰. محسنی، فرید، سعید جوهر، «ارتباط مسئولیت اجتماعی و مسئولیت کیفری تعامل یا تقابل، پژوهش حقوق کیفری»، دوره ۳، سال ۸، ۱۳۹۳.



۱۱. نوری یوشانلویی، جعفر و سعید جوهر، «مفهوم‌شناسی مسؤولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری در حقوق آلمان، فرانسه، انگلستان و ایران با رویکرد تطبیقی»، مجله حقوق تطبیقی، سال ۵، ش ۲، ۱۳۹۳.

۲-۱-۷. معاهدات و قوانین

۱۲. موافقت‌نامه‌های تشویق حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری فدرال آلمان: ۱۳۸۲، دولت دوک‌نشین اعظم لوگزامبورگ: ۱۳۹۸، دولت جمهوری متحده تانزانیا: ۱۳۹۵، دولت جمهوری چک اسلواک: ۱۳۹۵، دولت ژاپن: ۱۳۹۵، دولت جمهوری چک: ۱۳۹۸، دولت فدراسیون روسیه و تشریفات پروتکل آن: ۱۳۹۵.

۲-۷. منابع خارجی

۱-۲-۷. کتاب‌ها و مقاله‌ها

1. Bandeira, Mariana. Lima, Fernando Lopez, Parra, Global Practices of Corporate Social Responsibility, Brazil: CSR under Construction, Springer-Verlag Berlin Heidelberg, 2009.
2. Boki, Irana, The Role of Investment Laws in Strengthening Corporate Social Responsibility: Ethiopia's Investment Regime in Focus Journal of Law, Policy and Globalization, Vol.100, 2020.
3. Briese, Robyn, Schill, Stephan, "Djibouti v France: Self-judging Clauses before the International Court of Justice" Melbourne Journal of International Law, Vol.10, No.1, 2009.
4. Burke-White, William W. and Andreas Von Staden, Private Litigation in a Public Law Sphere: The Standard of Review in Investor- State Arbitration, Yale Journal of International Law, Vol.35, 2010.
5. Carvalho Viviane Cruz Alves de, 'Paradise Regained': Can Sustainable Development Be Achieved When the Protection of Foreign Direct Investment Is at Stake? Examining The Case Study Of Vattenfall

- V.Germany11, *Revista Eletrônica de Direito Processual*, Vol:21. No1, 2020.
6. Daintith, Terence, against “lex Petrolea”, *Journal of World Energy Law and Business*, Vol, 10, Issue 1, 2017.
 7. Department of Trade and Industry Republic of South Africa, *Bilateral Investment Treaty Policy Framework Review: Government Position Paper*, 2009.
 8. Fortier, L.Yves, Stephen L. Drymer, *Indirect Expropriation in the Law of International Investment: I Know It When I See It, or Caveat Investor*, *ICSID Review -Foreign Investment Law Journal*, Vol.19, Issue 2, 2004.
 9. Franco, S. Caroli, M.G, Cappa, F, Del Chiappa, G., “Are you good enough?CSR, quality management and corporate financial performance in the hospitality industry”, *International Journal of Hospitality Management*, Vol.88, 2020.
 10. Francisco Javier Forcadell, Fernando Ubeda, Elisa Aracil, *Effects of environmental corporate social responsibility on innovativeness of spanish industrial SMEs*, *Technological Forecasting & Social Change*, Vol:162, 2021.
 11. Hachez, N., Wouters, J., *International investment dispute settlement in the twenty-first century: Does the preservation of the public interest require an alternative to the arbitral model?* In F. Baetens (Ed.), *Investment Law within International Law: Integrationist Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press, 2013.
 12. Janowski, Andrzej, *Philanthropy and the Contribution of Andrew Carnegie to Corporate Social Responsibility*, *Sustainability*, Vol.13, No.155, 2021.
 13. Joshi Dhananjay Riddhi, Shashikala Gurpur , *The Silent Spring of Human Rights in Investment Arbitration: Jurisprudence Constante through Case-Law Trajectory*, *Arbitration International*, Vol, 36, Issue.4, 2020.
 14. Jenkins, R. O. J., *Globalization, corporate social responsibility and poverty*, *International Affairs*, Vol. 81, No. 3, 2005.



15. Keenan Karyn, Canada's New Corporate Responsibility Ombudsperson Falls Far Short of its Promise, *Business and Human Rights Journal* Vol.5, No:1, 2020.
16. Kim Lim TanMin HoRita PidaniArchana Das Goveravaram, Doing good does you good? The financial impact of individual CSR dimensions:A Malaysian context, *Social Responsibility Journal* ahead-of-print, 2021.
17. Kotzé, Louis Jacobus Louise Du ToitLouise Du ToitDuncan FrenchDuncan French, (2020) Friend or foe? International environmental law and its structural complicity in the Anthropocene's climate injustices, *Oñati Socio-legal Series*, Vol:28, 2020.
18. Morosini, Fabio and Michelle Ratton Sanchez Badin, The Brazilian Agreement on Cooperation and Facilitation of Investments (ACFI: A New Formula for International Investment Agreements?, *Investment Treaty News*, Vol.6. Issue. 30, 2015.
19. Liao, Carol, The Next Stage of CSR for Canada: Transformational Corporate Governance, Hybrid Legal Structures, and the Growth of Social Enterprise, *International Journal of Sustainable Development Law and Policy*, Vol.9, Issue: 1, 2013.
20. Massu Catalina Sofia, International investment law and the right to health, *Revista Chilena de Derecho*, Vol.47, No:1, 2020.
21. Meshel, Tamar, Human Rights in Investor-State Arbitration: The Human Right to Water and Beyond, *Journal of International Dispute Settlement*, Vol. 6, No. 2, 2015.
22. Monebhurrun, Nitish, Novelty in International Investment Law: The Brazilian Agreement on Cooperation and Facilitation of Investments as a Different International Investment Agreement Model, *Journal of International Dispute Settlement*, Vol.8, 2017.
23. Muchlinski, Peter T., The Rise and fall of the Multilateral Agreement on Investment: Where Now?' *The International Lawyer, Foreign Law Year in Review*, Vol. 34, No. 3, 2000.

24. Muchlinski, Peter T., Corporate Social Responsibility, The Oxford Handbook of International Investment Law, Edited by Peter Muchlinski, Federico Ortino, and Christoph Schreuer, 2008.
25. Roberts, Anthea (2015), Triangular treaties: the extent and limits of investment treaty rights, Harvard International Law Journal, Vol.56, No.2.
26. Satbir Yadav, Sunil Bhudhiraja, Manish Gupta, Corporate Social Responsibility–The Reflex of Science and Sustainability, European Journal of Molecular & Clinical Medicine, Vol:7, Issue7. 2020.
27. Saloranta, Juho (2021), Establishing a corporate responsibility ombudsman: Enhancing remedy through
28. State-based non-judicial mechanisms? Maastricht Journal of European and Comparative Law, Vol.7.
29. Schrijver, Nico, aib Law Lecture: The Rise of Sustainable Development in International Investment Law, Brill press, 2020.
30. Sheffer, Megan Well, Bilateral Investment Treaties: A Friend or Foe to Human Rights, Denver Journal of International law and policy, Vol.39, 2011.
31. Sornarajah, M., The International Law on Foreign Investment (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press, 2004.
32. Stephane Brabant and Elsa Savourey, All Eyes on France – French Vigilance Law First Enforcement Cases (1/2) Current Cases and Trends, available at : <https://www.cambridge.org/core/blog/2020/01/24/all-eyes-on-france-fre-vigilance-law-first-enforcement-cases-1-2-current-cases-and-trends/> (2020).
33. Szabados, Tamás, Multilevel hardening in progress–Transition from soft towards hard regulation of CSR in the EU Maastricht Journal of European and Comparative Law Vol: 27, Issue.5, 2020.
34. Tamvada, Mallika, Corporate social responsibility and accountability: a new theoretical foundation for regulating CSR, International Journal of Corporate Social Responsibility, Vol, 5, No: 2, 2020.
35. Viñuales, Jorge E., Foreign investment and the environment in international law, Cambridge University Press, 2012.



36. Welsh, Nancy A & Andrea Kupfer Schneider and Kathryn Rimpfel, , Using the Theories of Exit, Voice, Loyalty, and Procedural Justice to Reconceptualize Brazil's Rejection of Bilateral Investment Treaties, Washington University Journal of Law and Policy, Vol. 45, 2014.
37. Winibaldus S. Mere, Recent trend toward a balanced business and human rights responsibility in investment treaties and arbitrations, Revista Internacional de Direitos Humanos e Empresas Vol:4, 2020.
38. Zein, Tala, Zein, Sarah, A legal perspective on Corporate Social Responsibility (CSR), BAU Journal - Creative Sustainable Development, Vol.1, Issue.2, 2020.
39. Zhu, Ying, Corporate Social Responsibility and International Investment Law: Tension and Reconciliation, Nordic Journal of Commercial Law, No. 1, 2017.

۲-۲-۷. گزارش‌ها، آرا و معاهدات

40. Agreement on Cooperation and Facilitation of Investments (ACFI): Brazil-Angola, Brazil-Mozambique, Brazil-Malawi, Brazil-Mexico, Brazil-Columbia, Brazil-Chile, Brazil-(2015).
41. Antin Infrastructure Services Luxembourg S.à.r.l. and Antin Energia Termosolar B.V. v. Kingdom of Spain, (2018) ICSID Case No. ARB/13/31.
42. Association Agreement, EU-Ukraine(2012) EU-Georgia(2014)EU-Moldova(2014) EU-Ukraine (2012)
43. Belenergia S.A. v. Italian Republic, (2019) ICSID Case No. ARB/15,
44. Bilateral Investment Treaties (BIT): Benin-Canada (2013) Canada-Honduras(2013) Cameroon-Canada, (2014) Canada-Nigeria (2014); Canada-Serbia (2014), Canada-Côte d'Ivoire(2014) Canada-Senegal (2014) Canada-Mali(2014) Cameroon-Canada (2014) Burkina Faso-Canada (2015).
45. Burlington Resources Inc. v Ecuador, (2017) ICSID Case no ARB/08/5.

46. Business Responsibilities and Investment Treaties OECD Public Consultation (2020).
47. Canadian Foreign Investment Protection Agreement (2004).
48. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports, 2019.
49. Chemtura v Canada (2010), UNCITRAL, Award.
50. Chemtura Corporation v. Government of Canada, NCITRAL, Award, 2010.
51. CMS Gas Transmission Company v. Argentine Republic, Award, ICSID Case No. ARB/01/8, (2005).
52. Commission of the European Union, Green Paper (2001)
53. Continental Casualty Company v. Argentine Republic, (2008) ICSID Case No. ARB/03/9
54. Colombia-EU-Peru FTA (2012)
55. Eiser Infrastructure Limited and Energia Solar Luxembourg S.à.r.l v. Kingdom of Spain, (2018), ICSID, Case No. ARB/13/36
56. Enhanced Partnership and Cooperation Agreement EU-Kazakhstan (2016) EU-Kazakhstan (2016).
57. Enron Creditors Recovery Corporation v. Argentine Republic, Award, ICSID Case No. ARB/01/3, (May 22, 2007).
58. Free Trade Agreement: Canada-Republic of Korea, (2014) Canada-Honduras (2013) Canada-Republic of Korea (2014) Colombian Model, Bilateral Investment Treaties, (2007).
59. Investment Agreement for the COMESA Common Investment Area (2007).
60. LG & E Energy Corp. v. Argentine Republic, ICSID Case No. Arb/02/1, Decision on Liability, 2006.
61. Norms on the Responsibilities of Transnational Corporation and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, UN Doc.E/CN.4/Sub.2/2003/12/rev.2, 2003; Commentary.
62. North American Free Trade Agreement NAFTA, (1994).
63. Norwegian Draft Model BIT, (2007).
64. Perenco Ecuador Limited v Ecuador (2019), ICSID Case no ARB/08/6



65. Petroecuador v. The Republic of Ecuador), ICSID Case.No. ARB/08/6, (2019).
66. Reports of the High Commissioner for Human Rights, Human rights, trade and investment (E/CN.4/Sub.2/2003/9).
67. S.A. and Abal Hermanos S.A. v. Oriental Republic of Uruguay, ICSID Case No. ARB/10/7, Award, (2016).
68. State Trading Corporation v Betamax Ltd (2019) SCJ 154.
69. Stadtwerke Munchen and others v. Spain, ICSID Case No. ARB/15/1, (2019).
70. Sempra Energy International v. Argentine Republic, Award, ICSID Case No. ARB/02/16, (2007).
71. Urbaser S.A. and Consorcio de Aguas Bilbao Bizkaia, Bilbao Biskaia Ur Partzuergoa v. The Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/07/26, (2018).
72. UP and C.D Holding Internationale v. Hungary (2018) ICSID Case No. ARB/13/35
73. UNCTAD, World Investment Report, Investor Nationality: Policy Challenges (2016)
74. UNEP, Corporate Social Responsibility and Regional Trade and Investment Agreements (2011)
75. Vienna Convention on the Law of Treaties (1969).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی